ادامه از صفحه اول

طرحی نو در سیاست خارجی قرن جدید

آنچه ما به آن افتخار می‌کنیم، بیان حکیمانه سعدی سخن‌سرای درباره بنی‌بشر است که ۷۰۰ سال قبل فرمود: «بنی‌آدم اعضای یک پیکرند/ که در آفرینش ز یک گوهرند» که البته این سخن، ترجمان فرمایش مولا علی(ع) در آموزه حکمرانی به مالک اشتر نخعی است که مردم تحت امر فرماندار خود را به دو دسته تقسیم کرد: «فإنَّهُم صنفانِ: إمّا أخٌ لَکَ فی الدِّینِ، أو نَظیرٌ لَکَ فی الخَلقِ». این نگاه اسطرلاب غلبه بر کینه‌ها، گام اول همدلی مردم و برون‌رفت از دوگانه‌های مختلف است.

در سیاست خارجی کشور نیز باید اصل را بر «توسعه همه‌جانبه ایران» بگذاریم. لازمه این مهم، تعامل و روابط سازنده با جهان با محوریت منافع ملی و زدودن پیرایه‌های ناشی از تنش‌های غیرضرور با همسایگان و دیگر کشورهای جهان است. مردم کشور که صبورانه همه مشکلات را تحمل کرده و می‌کنند، شایسته برخورداری از سطحی مقبول در زندگی و آینده‌ای مطمئن برای فرزندانشان هستند. وضعیت فعلی در واکسیناسیون حتی به بهانه تحریم برای مردم قابل‌قبول نیست. کشوری را سراغ ندارم که چوب حراج به نخبگان خود به دلیل وضعیت اقتصادی، آینده مبهم و نوع نگرش به زندگی بزند. در همین دهکده جهانی، جوان ایرانی با یک کلیک در اینترنت، شرایط کشوری را که در آن زندگی می‌کند، نه با آمریکا و اروپا و ژاپن بلکه با کشورهای هم‌جوار مقایسه می‌کند. اقتدار ملی و عزت دینی کشور و مردم در گرو برخورداری از توسعه اقتصادی درسطح متوسط جهان، پروژه‌های عمرانی، صنعتی و از همه مهم‌تر ترویج اخلاقی کشور است. تنش‌زدایی در منطقه و تعامل سازنده با جهان از لوازم پرداختن به درون فارغ از نگرانی از برون است. سازندگی کشور از مسیر اعتمادسازی و دوستی با همسایگان، منطقه و جهان می‌گذرد. راهکار حکیمانه «با دوستان مروت، با دشمنان مدارا» را در فرهنگ خود داریم. ناگفته پیداست سخن و منطق قلدرمآبانه از هیچ کشور و فردی برای ما پذیرفتنی نیست؛ ولی گرهی را که با مهارت انگشتان می‌توان باز کرد، نباید به دندان سپرد.

گفت‌وگو با صادق زیباکلام و محمود نکوروح به مناسبت سالروز ملی‌شدن صنعت نفت

مصدق و نفت منهای نگاه ایدئولوژیک

امیرحسین جعفری: ۲۹ اسفند برای هر ایرانی نماد مشخص ملی‌شدن صنعت نفت بوده و تاریخ سیاسی ایران را با عملکرد دولت مصدق در راستای دفاع از منابع نفت پیوند زده است. اینکه مصدق تا چه حد در دولت‌های خود موفق بود و توانست امتیازاتی در راستای منابع ملی برای ایران کسب کند، بحث مفصلی است؛ اما سؤال اینجاست که با گذشت نزدیک به ۷۰ سال از این اتفاق، نگاه و تحلیل ما از مصدق تا چه حد واقعی است؟ چرا نام او در زیر سایه عناوین مختلف ازجمله وطن‌پرست، شریف، ملی، خائن، ساده‌لوح و... پنهان می‌شود و دیگر توجهی به عمق عملکرد او در زمینه ملی‌شدن صنعت نفت و دیگر دستاوردهای او نمی‌شود. در سابقه دولت دکتر مصدق نیز صرفا ملی‌شدن صنعت نفت وجود ندارد و ملی‌شدن شیلات و اقدامات دیگری نیز در دوران دولت او به سرانجام رسیده است که البته درباره دیگر کارهای او نیز نقد و نظرهای مختلفی وجود دارد؛ ازجمله بحث ملی‌شدن شیلات که بر اساس پایان این قرارداد با شوروی شیلات ایران ملی شد و گویا در صورت نبود مصدق نیز این کار انجام می‌شده است. برای بررسی نگاهی بی‌طرفانه به عملکرد دکتر محمد مصدق در زمینه ملی‌شدن صنعت نفت، گفت‌وگویی کرده‌ایم با صادق زیباکلام، نویسنده و استاد علوم سیاسی دانشگاه تهران و محمود نکوروح، از فعالان سیاسی قدیمی که مشروح آن را می‌خوانید.

زیباکلام: نگاه ما به تاریخ ایدئولوژیک است

ابتدا زیباکلام درباره نوع شناخت جامعه ایران از مصدق و میزان عینیت ما از او به «شرق» گفت: «مشکل اساسی که ما در نگاه به تاریخ داریم، این است که نگاه ما خیلی ایدئولوژیک‌زده است و مذهبی، غیرمذهبی و چپ و قبل و بعد از انقلاب تفاوت نمی‌کند. متأسفانه این نگاه ایدئولوژیک به تاریخ همچنان با ما هست و من ساده‌ترین تعریفی که می‌توانم به کار ببرم، این است که شما از پشت یک عینک رنگی به بیرون نگاه کنید. ما در ایران به دلیل عقب‌ماندگی علوم انسانی یک عینک ایدئولوژیک بزرگ روی صورت ایران داریم و گذشته را نه آن‌گونه که رنگ حقیقی آن بوده، بلکه با رنگی که ایدئولوژی به ما ارائه می‌دهد، نگاه می‌کنیم. نتیجه این شده است که شخصیت‌ها یا ملی یا ترقی‌خواه یا وطن‌پرست یا برعکس خائن و سرسپرده و همکار استکبار هستند و نگاهی همراه با خیر و شر به تاریخ داریم. این نگاه قبل از انقلاب وجود داشته و بعد از انقلاب نیز ادامه پیدا کرده است؛ بنابراین هیچ‌وقت نخواستیم درباره ملی‌شدن صنعت نفت، دکتر مصدق، آیت‌الله کاشانی و خیلی از شخصیت‌های دیگر نقد و داوری غیرایدئولوژیک از این وقایع و شخصیت‌ها داشته باشیم که چه عملکردی داشتند و کجا تحت تأثیر عواطف و کجا متأثر از عقلانیت بوده‌اند؛ بنابراین برای عده‌ای مصدق سمبل وطن‌پرستی، پاکدامنی و مثل یک قدیس و برای عده دیگری مصدق، سراسر خطا بوده است. پس داوری در چنین وضعیتی مشکل می‌شود. به همین خاطر یک‌سری ابهامات چه درباره ملی‌شدن نفت، عملکرد مصدق بعد از ملی‌شدن نفت و... باقی مانده و با وجود اینکه بیش از ۷۰ سال از آن قضایا می‌گذرد، اما تا امروز که اسفند ۱۳۹۹ است، حاضر نشدیم یک بررسی غیرایدئولوژیک از مصدق و ملی‌شدن صنعت نفت داشته باشیم. در مثال اینکه یک نگاه ایدئولوژیک چقدر می‌تواند خطا داشته باشد، باید اشاره کنم که نفت یک قرارداد بود؛ ما قراردادی با شرکت نفت انگلستان داشتیم و این قرارداد یک سند حقوقی و رسمی بوده است و ادعای ما این بوده که بر اساس این قرارداد نفت ایران مورد استثمار قرار گرفته و در نتیجه ما حق داشتیم این قرارداد را لغو کنیم. مجلس شانزدهم بر اساس ماده‌واحده‌ای به نام «سعادت ملت ایران» این قرارداد را لغو می‌کند؛ ولی ببینید نُرم مرسوم در حقوق بین‌الملل این‌طور نیست که زمانی که احساس کردید به شما ظلم شده است، یک‌جانبه قراردادی را لغو کنید. به هر حال انگلستان یک‌سری پرداخت‌هایی بابت سهم ما از نفت پرداخت می‌کرد. ما معتقدیم پرداختی‌های انگلیس خیلی کم بوده است. تصور کنید عکس این ماجرا اتفاق می‌افتاد و مثلا شرکت ضرر می‌کرد و نمی‌توانست آن مبلغی را که باید طبق قرارداد پرداخت کند، به ما بپردازد. در این شرایط شرکت بگوید من قرارداد را فسخ می‌کنم چون آن چیزی که به ایران پرداخت می‌کنیم خیلی زیاد است. آیا ما این مسئله را قبول می‌کردیم؟ قطعا ما این مسئله را قبول نمی‌کردیم؛ چون قرارداد یک سند دوطرفه است و پیش‌بینی شده اگر بین طرفین اختلاف به وجود آمد، باید به حکم مراجعه کنند و بین آنها داور شود. شما یک قرارداد معمولی اجاره‌نامه را برای یک خانه که می‌نویسید، مشخص می‌کنید وظایف و تکالیف مالک و مستأجر چیست و دو طرف نمی‌توانند قرارداد را لغو کنند و بگویند ارزش این خانه بیش از این بوده است یا مستأجر بگوید سر من کلاه رفته و این خانه قیمت کمتری دارد. من معتقدم ما در تمام این ۷۰ سال گذشته نخواسته‌ایم به این سؤال بپردازیم که ما خودمان را محق می‌دانستیم و قرارداد ظالمانه بوده است. با وجود این انگلستان چه می‌گفته است؟ حرف‌های آنها چه بوده است؟ اگر این‌گونه به توافقات بین‌المللی نگاه کنیم، سنگ روی سنگ بند نمی‌شود. بنابراین اولین نکته تاریخی که باید به آن نگاه کنیم، این است که آن قرارداد نفتی که بین ایران و انگلستان وجود داشته و در زمان رضاشاه (۱۳۱۲) به نام قرارداد ۱۹۳۳ معروف بوده، چه جزئیاتی داشته است؟ آیا آن قرارداد ظالمانه بوده است؟ این نکته را هیچ‌گاه در جریان ملی‌شدن صنعت نفت بررسی نکرده‌ایم که طرف مقابل چه می‌گوید؟».

او دراین‌باره ادامه داد: «نکته دومی که در نگاه ایدئولوژیک هیچ‌گاه نخواستیم به آن توجه کنیم، این است که وقتی نفت را ملی کردیم، در اردیبهشت ۱۳۳۰ مصدق نخست‌وزیر شد و در آن شرایط مهم‌ترین وظیفه مصدق این بود که ماده‌واحده مجلس را اجرا کند. مصدق هم این کار را کرد و هیئتی به نام خلع ید به آبادان رفت و تمام تأسیسات صنعت نفت را از شرکت تحویل گرفت تا شرکت نفت یک بشکه نفت هم نتواند صادر کند. سؤال بعد این است که بالطبع یک‌سری مذاکرات صورت گرفت، اما این مذاکرات چگونه بودند؟ وقتی نفت ملی شد برخلاف تبلیغات بعد از انقلاب، دست آمریکایی‌ها به‌هیچ‌وجه در دست انگلیسی‌ها نبود و از اول فروردین ۱۳۳۰ که نفت ملی شد، آمریکایی‌ها نگفتند حق با انگلیسی‌هاست که به سمت کودتا بروند. کودتا ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ انجام شد؛ یعنی ۲۸ ماه بعد از نخست‌وزیری مصدق. مصدق در این مدت چه سیاست‌هایی را درباره نفت اعمال کرد؟ اینکه ما می‌گوییم آمریکایی‌ها از ابتدا جانب انگلیسی‌ها را گرفتند، چقدر حقیقت دارد؟ پاسخ این است که خیر! اتفاقا آمریکایی‌ها در ابتدای ملی‌شدن صنعت نفت تا حدود زیادی متمایل به ایران بودند و اعتقاد داشتند قرارداد ۱۹۳۳ به نفع ایران نبوده و در این قرارداد باید تجدیدنظر شود و حق را به ایران می‌دادند؛ بنابراین سعی کردند نوعی مصالحه میان ایران و انگلیس به وجود بیاید. به‌هیچ‌وجه این‌طور نبود که آمریکایی‌ها تمام حق را به انگلستان دهند؛ آنها سعی کردند یک فرمول منطقی برای این مشکل درست کنند. اولین پیشنهاد آنها در بعد از ماه‌ها مذاکره معروف به فرمول ۵۰-۵۰ بود؛ یعنی ۵۰ درصد درآمد نفتی به ایران و ۵۰ درصد به انگلستان برسد. دولت انگلستان این فرمول را قبول نمی‌کرد، چون درآمدهای ایران خیلی افزایش می‌یافت. اما نباید فراموش کنیم همان موقع این فرمول در جهان باب شده بود؛ یعنی کمپانی‌های نفتی فرانسوی، آمریکایی و... در مناطق نفتی کشف‌شده جدید مثل ونزوئلا، عربستان، کویت و... قراردادی این‌چنین تنظیم می‌کردند. در عربستان ۵۰ درصد درآمد نفت متعلق به پادشاهی عربستان بود و ۵۰ درصد متعلق به شرکت آرامکو و دیگر شرکت‌های آمریکایی. با وجود اینکه انگلستان با این پیشنهاد در ابتدا مخالفت کرد، در نهایت به علت ضرر ایران در قرارداد ۱۹۳۳ پذیرفتند به فرمول ۵۰-۵۰ برسند؛ اما دکتر مصدق نپذیرفت. سؤال اینجاست که چرا مصدق این فرمول را نپذیرفت؟ گویا استدلال مصدق این بوده است که شرکت با خلع ید موافقت کند؛ یعنی بپذیرد که چاه‌ها، تأسیسات و هرچه در خوزستان وجود دارد در اختیار دولت ایران قرار بگیرد و غرامت پرداخت خواهیم کرد. فرض کنید بگوییم صد میلیون دلار انگلستان در ۵۰ سال گذشته در ایران سرمایه‌گذاری کرده، ما به مرور این هزینه را از درآمد نفت به آن می‌پردازیم، اما شرکت این فرمول را قبول نمی‌کرد. در نتیجه مصدق فرمول ۵۰-۵۰ را نپذیرفت و روی مالکیت صددرصد تأسیسات و فروش نفتی تأکید کرد. فرمول دومی که به وجود آمد، اتفاقا از نظر دولت ایران بسیار بهتر از فرمول اول بود؛ به این معنا که به مصدق گفته می‌شد شما که مسئله مالکیت تا این حد برایتان مهم است، ما فعلا مسئله مالکیت را معلق می‌کنیم؛ یعنی نه ایران و نه انگلستان مالک تأسیسات و صنایع نفتی نیستند و فعلا این پالایشگاه‌ها شروع به کار کنند و صنایع نفت زیر نظر بانک جهانی خواهد بود. بانک جهانی یک هیئت موقت را تشکیل می‌دهد و نفت دوباره استخراج و به فروش می‌رود و درآمد نیز به این صورت تقسیم می‌شود که درصدی به ایران و انگلستان داده می‌شود و درصدی هم بابت پیمانکاری به بانک جهانی داده می‌شود و الباقی هم در صندوقی ذخیره می‌شود تا زمانی که اختلاف مالکیت بین ایران و انگلستان حل شد، آن وقت پول ذخیره به‌صورت غرامت به انگلیس بابت سرمایه‌گذاری پرداخت می‌شود. این فرمول بی‌نظیر بود و به نظر من اگر این فرمول اتفاق می‌افتاد، شاهکار بود؛ چون این فرمول عملا مالکیت را از انگلستان سلب کرده بود و به‌تدریج مالکیت به ایران بازمی‌گشت. اما باز هم دکتر مصدق این فرمول را نپذیرفت. به نظر من این بزرگ‌ترین اشتباه دکتر مصدق بوده است. مصدق باید فرمول بانک جهانی را می‌پذیرفت؛ چون این فرمول راهگشا بود و باعث می‌شد کودتای ۲۸ مرداد اتفاق نیفتد، اقتصاد کشور تقویت شود و هدف اصلی که عملا مالکیت انگلیس از نفت برداشته شود، انجام می‌شد. من هیچ‌وقت نتوانستم قانع شوم که چرا مصدق این فرمول را نپذیرفت. نپذیرفتن این فرمول فاجعه‌بار بود؛ چراکه از زمانی که نفت ملی شد، انگلستان فقط و فقط یک مسئله را مطرح کرده بود و آن مسئله این بود که به آمریکایی‌ها می‌گفت شما ایرانی‌ها را نمی‌شناسید؛ مصدق بغض و کینه و نفرت نسبت به انگلیس دارد و هر راه‌حل دیگری که پیدا کنیم مصدق با آن مخالفت خواهد کرد و تنها راه‌حل مشکل نفت، برکناری مصدق از طریق کودتاست؛ چون مصدق محبوبیت دارد و نمی‌شود از طریق شاه او را برکنار کرد و باید از طریق کودتا دولت او را ساقط کنیم. آمریکایی‌ها نیز به علت ریاست‌جمهوری دموکرات‌ها به‌هیچ‌وجه زیر بار این ایده نمی‌رفتند و ترومن قبول نمی‌کرد که در ایران کودتا شود و نظرشان بر توافق بود».

این استاد دانشگاه بیان کرد: «بعد از یکی، دو سال مذاکرات و پیداکردن راه‌حل‌های مختلف وقتی مصدق نهایتا فرمول بانک جهانی را نپذیرفت، آمریکایی‌ها برای اولین‌بار به کودتا توجه کردند و به این نتیجه رسیدند که انگلیسی‌ها درست می‌گویند. بنابراین نتیجه نپذیرفتن راه‌حل‌ها از سوی مصدق این شد که آمریکایی‌ها نیز آرام‌آرام به انگیسی‌ها پیوستند و زمینه کودتا از اواخر سال ۳۱ شکل گرفت. البته از بخت بد ایرانی‌ها دو تحول مهم نیز اتفاق افتاد؛ تحول اول این بود که در انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا در سال ۳۱ جمهوری‌خواه‌ها به قدرت رسیدند و آیزنهاور رئیس‌جمهور شد، ترومن نگاهی مانند جیمی کارتر داشت و کسانی که در کاخ سفید قدرت را به دست گرفتند مانند ترامپ بودند. در انگلستان هم همین اتفاق افتاد و در انتخاباتی که در سال ۳۱ برگزار شد، متأسفانه حزب کارگر به حزب محافظه‌کار باخت و هر دو دولتی که در سال ۳۱ به قدرت رسیدند اصلا حالت انعطاف‌پذیر را که بخواهند با مصدق به توافق برسند، نداشتند. از سوی دیگر در ایران هم به علت عدم درآمد نفتی وضع اقتصادی مرتب خراب‌تر می‌شد و همه‌چیز قفل شده بود و به‌تدریج یاران و همراهان مصدق مثل بازاری‌ها، آیت‌الله کاشانی و... به این نتیجه رسیدند که مصدق نوری در انتها تاریکی نیست؛ رقابت‌هایی نیز وجود داشت و آیت‌الله کاشانی انتظار داشت افرادی که به مصدق معرفی می‌کند استاندار و مدیر و وزیر بشوند که مصدق زیر بار آنها نمی‌رفت.

ادامه در صفحه ۱۱

خبر

پیام فرمانده کل قوا به مناسبت روز پاسدار

• **ایسنا:** فرمانده کل قوا به مناسبت میلاد امام حسین علیه‌السلام و روز پاسدار، پیامی خطاب به فرمانده کل سپاه صادر کردند. متن پیام حضرت آیت‌الله خامنه‌ای به این شرح است:

بسمه تعالی

سلام مرا به همه پاسداران برسانید، ان‌شاءالله موفق باشید؛ با قدرت به فعالیت‌های شایسته خود ادامه دهید.

روزنه

معاونت اسناد (آرشیوملی) سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران منتشر کرد

اسناد مذاکرات نفتی

متن کامل ۳ گزارش دکتر مصدق درباره مذاکره با انگلیس و آمریکا

«دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان از طرف خود و از طرف شرکت اصل ملی‌شدن صنعت نفت را در ایران قبول می‌نمایند». این نامه‌ای بود که جی. اچ. میدلتن، کاردار سفارت بریتانیا در تهران به باقر کاظمی، وزیر امور خارجه ایران در ۱۱ مرداد ۱۳۳۰ نوشت؛ گرچه لندن دو سال بعد با کودتایی مشترک با دولت آمریکا، دولت دکتر محمد مصدق، مجری همین اصل و قانون را که روز ۲۹ اسفند ۱۳۲۹ در مجلس سنا به تصویب رسیده بود، ساقط کرد.

نامه میدلتن در متن گزارش مصدق به مجلس شورای ملی در جلسه ۱۳ مرداد ۱۳۳۰ «راجع به شناسایی اصل ملی‌شدن صنعت نفت در ایران از طرف دولت انگلیس و شرکت سابق نفت» به‌طورکامل آمده است. گزارشی با منشأ سند وزارت دارایی درباره مذاکره مصدق با آورل هریمن، فرستاده ویژه رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا که به شماره ۱۳۶۰۸۱۰ در آرشیو سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران نگهداری می‌شود.

مصدق در جلسه ۳۰ مرداد ۱۳۳۰ مجلسین شورای ملی و سنا، گزارش مذاکرات با هیئت نمایندگی دولت انگلیس به ریاست ریچارد استوکس، مهردار سلطنتی را به‌طورکامل ارائه کرد (سند ۱۵۲۵۴۹۳، منشأ وزارت دارایی، اسناد و کتابخانه ملی). استوکس در این مذاکرات بار دیگر اصل ملی‌شدن صنعت نفت را در ایران طبق قانون مورخ بیستم مارس ۱۹۵۱ به رسمیت شناخت. استوکس البته اقدام ایران را به‌مثابه خودکشی دانسته که «ممکن است منجر به انقلاب و کمونیسم بشود».

مصدق در گزارش دیگری (جلسه ۱۷ شهریور ۱۳۳۰ مجلس شورای ملی) سیاست دولت در موضوع نفت را تشریح کرد (سند شماره ۱۳۶۳۷۱۴، منشأ وزارت دارایی، سازمان اسناد و کتابخانه ملی).

نخست‌وزیر ایران در این گزارش اشاره کرده که به استوکس گفته ایران در سه موضوع می‌تواند با انگلیس وارد مذاکره شود؛ متخصصان انگلیسی، خسارت و ضرر کمپانی شرکت نفت ایران انگلیس و منفعت انگلیس. استوکس می‌گوید از طرف دولت متبوع خود اجازه ندارد تا قضیه اول حل نشده وارد مذاکره و حل دو قضیه دیگر شود و مذاکرات معلق شد. استوکس در این مذاکرات گفت متخصصان و مستخدمان انگلیسی به‌هیچ‌وجه حاضر نیستند تحت ریاست یک غیرانگلیسی باشند.

نکته مهم در گزارش مصدق این است که «مطابق اخباری که جراید داده‌اند و تلگراف‌هایی که از نمایندگان خودمان رسیده است آنها تصمیم دارند که دولت دیگری بیاورند تا بتوانند با آن دولت قراردادی که مطلوبشان هست منعقد کنند. بنده خدا را به شهادت می‌طلبم که این مسئله اگر برای مملکت و برای استقلال ما مضر نبود از آمدن دولت دیگر ابدا باکی نداشتم و یک دولت دیگری اگر در این صراط می‌بود خودم استعفا می‌کردم و به استقبال او می‌رفتم و او را می‌آوردم اما نمی‌توانم مادامی که قضیه نفت حل نشده این سنگر را خالی کنم. ممکن است که دولت دیگری بیاورند و برخلاف مصالح ایران کاری بکند آن‌وقت مردم می‌گویند تو که از کشته‌شدن باکی نداشتی و برای کشته‌شدن حاضر بودی از کسالت چه باک داشتی. می‌خواستی در حال احتضار هم که بودی بمانی تا این کار به صلاح مملکت حل بشود».

اداره کل خدمات آرشیوی معاونت اسناد سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران در هفتادمین سالگرد تصویب قانون ملی‌شدن صنعت نفت، متن کامل این سه گزارش دکتر مصدق را که حاوی مذاکرات حساس بین‌المللی برای اعاده حقوق ملی ایران و به‌رسمیت‌شناختن حق ملی‌شدن نفت ایران از سوی دولت انگلیس است، منتشر کرد.